

ریزرف تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان بطور آنلاین همیشه و همه جا

وب سایت skytravels.com در زمینه ارایه خدمات مسافرتی بصورت آنلاین در افغانستان پیشتاز می باشد، که از جدید ترین تکنالوجی روز استفاده کرده و آنرا مطابق خواست مشتریان محترم تهیه نموده است. وب سایت skytravels.com بعنوان یک شرکت کاملاً افغانی، ارایه کننده خدمات فروش تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان به مشتریان خویش میباشد. استفاده از skytravels.com آسانترین، کوتاه ترین و ارزانترین طریقه برای رفع نیازمندی های مسافرتی شماست.

حالا شما می توانید با مراجعه به [GOOGLE PLAY](#) و [APP STORE](#) نرم افزار SKYTRAVELS را دانلود نمایید.



020 230 4949 - 020 230 4848
SUPPORT@SKYTRAVELS.COM



Azizi Bank Master Card



www.azizibank.af

1515



ما تم ملی ډر سوگ
۸۵ شهید جنبش روښنایی؛
شهدا به خاک سپرده شدند

صفحه ۲



سریعترین انترنت 3G - بهترین قیمت

10GB

در بدل ۱۱۰۰ افغانی

برای اشتراک

10GB را به ۱۵۱ ارسال نمایید



ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

مدت اعتبار: ۳۰ روز

۱۵۲

دوشنبه	
۴ اسد	
۱۳۹۵	
سال پنجم	
شماره ۱۱۱۲	
	



یادداشت روز

اجرای عدالت،

تنها گزینه‌ی قابل انتظار

تظاهرات جنبش روشنایی در عصر روز شنبه به خون کشیده شد. حمله‌ی انتحاری در جمع معترضان قربانی بزرگی از جویندگان روشنایی گرفت. بیش از ۸۰ شهید و ۳۰۰ زخمی، کابل را در شوک بزرگ فرو برد و پایتخت را به غمکده‌یی مبدل کرد. اجساد شهدا دیروز در کابل به خاک سپرده شدند، اما این پایان ماجرا نیست و حرف و حدیث‌های زیادی پیرامون این واقعه وجود دارد.

اول، تظاهرات مدنی حق قانونی شهروندان کشور می‌باشد و دولت مسئول تأمین امنیت آنان. قانون اساسی و سایر قوانین نافذه‌ی کشور به صراحت به این اصل پرداخته و حق و تکلیف مردم و دولت را کاملاً مشخص کرده است. تظاهرات جنبش روشنایی برمبنای قوانین کشور صورت گرفت و معترضان در یک روند مدنی و مسالمت‌آمیز خواست‌ها و مطالبات خود را مطرح کردند. معترضان هیچ یک از قوانین کشور را نقض نکردند، به تاسیسات عامه آسیب نرساندند و مال و منال شخصی مردم را به تاراج نبردند. آن‌ها حرکت مدنی خود را طبق قانون آغاز کردند و قرار بود، آن را به مدنی‌ترین شکل ممکن ادامه بدهند. اما در سوی دیگر، دولت به وظیفه‌ی خود که همانا تأمین امنیت مظاهرة‌کنندگان بود عمل نکرد و در نهایت با وقوع حملات مرگبار، فصل سیاهی در تاریخ مبارزات مدنی در کشور رقم خورد. مسئول حمله هر فرد و یا گروهی بود، مهم نیست، بلکه مهم این است که دولت امنیت مظاهرة‌کنندگان را تأمین نکرد و این کوتاهی هرگز قابل توجیه و پذیرش نیست.

دوم، شواهد کافی برای کوتاهی دولت در تأمین امنیت مظاهرة‌کنندگان وجود دارد. ظاهراً دولت تمام امکانات و منابع را برای حفاظت از ارگ ریاست‌جمهوری و دارودسته‌ی حکومتیان به کار گرفته بود. تأمین امنیت معترضان یا مغفول مانده بود و یا هم عامدانه مورد بی‌توجهی قرار گرفته بود. حکومت تمامی راه‌های منتهی به ارگ ریاست‌جمهوری را با کانتینرها مسدود کرده و صدها سرباز را برای محافظت از آن به کار گرفته بود. در حالی که تمامی راه‌های منتهی به محل تجمع معترضان به‌گونه‌ی کامل باز بود و فقط چند سرباز محدود در اطراف محل تجمع معترضان مستقر شده بودند. رفت‌وآمد به محل تجمع معترضان در دهمزنگ کاملاً آزاد بود و حتا در این منطقه نیز هیچ‌گونه مقررات امنیتی وضع نشده بود. این‌ها اساسا پرسش‌های جدی‌یی را در خصوص اراده‌ی دولت برای تأمین امنیت معترضان مطرح کرده است که باید پاسخ‌های روشن از سوی مسئولین آن ارائه شود.

سوم، برخی‌ها در درون حکومت و بیرون از آن سعی دارند با سیاه‌نمایی‌ها بار ملامت و قصارت را به گردن خود معترضان بیاندازند و خود را از بارملامت این واقعه پاک و مبرا سازند. این جماعت هرچند خود را مبرا می‌دانند، اما فراموش نکنند که همین سیاه‌نمایی‌ها و فرار از مسئولیت‌ها بوده است که کارد را به استخوان مردم رسانده و آنان را مجبور کرده‌اند به خیابان‌ها بریزند و صدای اعتراض و فریادشان را بلند کنند. در حال حاضر که این واقعه اتفاق افتاده و درد و رنج آن کل شهر را در نور دیده است، نباید کسی بیش از این نمک بر زخم قربانیان بپاشند و اعتراض عدالت‌طلبانه‌ی آنان را به مناقشات سیاسی و منفعت‌طلبانه فروکاهند.

چهارم، وقوع این رویداد شرایط دشواری را در جامعه حاکم کرده است. هم دولت و هم سران و هواخواهان جنبش روشنایی در یک شرایط بسیار ویژه‌یی قرار گرفته‌اند. این شرایط می‌تواند به‌سادگی منجر به بروز بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه گردد و در نهایت ابعاد بحران را عمیق‌تر سازد. جنبش روشنایی تا این‌جای هیچ دلیلی برای توقف مطالبات جنبش روشنایی وجود ندارد و قطعاً این واقعه موج جدیدی از حرکت‌ها و اعتراضات دادخواهانه را به دنبال خواهد داشت. در حال حاضر وظیفه‌ی دولت است که برای جلوگیری از بیشتر شدن اعتراضات به مهم‌ترین خواسته‌ی جنبش روشنایی که همانا انتقال برق ۵۰۰ کیلوولت از مسیر بامیان- میدان وردک است، تن دهد و فیصله‌ی قبلی کابینه را ملغی اعلام کند. این کار می‌تواند به‌سادگی از گسترش اعتراضات بکاهد و جنبش روشنایی را از این که به مهم‌ترین خواسته‌ی خود می‌رسد، آرام‌تر سازد. طبیعی است اگر دولت همچنان بر موضع قبلی خود پافشاری کند، زمینه برای اعتراضات بیشتر در کشور مهیا خواهد شد و در آن صورت کار دولت سخت‌تر و دشوارتر خواهد شد.

اطلاعات روز: پس از حادثه‌ی مرگ‌بار ترورستی در جمع معترضان جنبش روشنایی در چوک دهمزنگ کابل، دولت روز یک‌شنبه را عزای ملی اعلام کرد و هزاران تن از مردم کابل اجساد بسیاری از شهدای جنبش روشنایی را بعد از ظهر دیروز در تپه‌یی در غرب کابل که به تپه‌ی شهدای جنبش روشنایی نامگذاری شده، به خاک سپردند.

اعضای شورای عالی مردمی جنبش روشنایی می‌گویند که تنها پاسخ درست حکومت به خون شهدا، اجرای عدالت، تطبیق ماسترپلان اصلی برق کشور و عبور برق ۵۰۰ کیلوولت از مسیر بامیان-میدان وردک است.

شماری از اجساد به‌شکل انفرادی به خاک سپرده شدند، اما اکثر شهدای این حادثه‌ی خونبار، میان آه و ناله‌ی خانواده‌های شهدا و اعضای جنبش روشنایی، با تشیع جنازه‌ی باشکوه و حضور گسترده‌ی مردم، در تپه‌یی در کوه قوریغ دفن شدند. جنبش روشنایی روز شنبه، دوم اسد در اعتراض نامحدود به تشییع مسیر لین برق ۵۰۰ کیلوولت از مسیر بامیان- میدان وردک به سالنگ، تظاهرات مسالمت‌آمیزی را از مصلی شهید مزاری از غرب کابل آغاز و در چوک دهمزنگ تجمع کردند، اما ساعاتی از تجمع آن‌ها در این چوک که حالا از سوی رییس‌جمهور غنی «چوک شهدا» نامگذاری شده، نگذشته بود که سه انفجار رخ داد و ۸۵ تن از معترضان را به خاک و خون کشاند و بیش از سه‌صد تن را زخمی کرد.

این اعتراض که قرار بود ادامه پیدا کند و معترضان دست به تحصن بزنند، با وقوع این انفجارها تظاهرات نامحدود و تحصن ادامه نیافت.

رییس‌جمهور غنی پس از این حادثه در بیانیه‌ی تلویزیونی‌اش ضمن اعلام یک روز عزای ملی، گفت: «من به شما وعده می‌دهم که انتقام خون این عزیزان را از عاملین این جنایت خواهم گرفت. بر علاوه دستور ایجاد کمیسیون با صلاحیت را متشکل از شخصیت‌های ملی دولتی و غیر دولتی به رهبری لوی خازنوال کشور داده‌ام، تا در خصوص واقعه تحقیقات همه‌جانبه نماید. مقصر چه دولت باشد و یا بیرون از حکومت مورد مجازات قرار خواهد گرفت.»

شورای امنیت ملی نیز نشستی را برای بررسی حمله‌ی تروریستی برگزار و فیصله کرد که به‌منظور تکریم به قربانیان این حادثه بیرق افغانستان در سراسر کشور و همچنان در سفارت‌خانه‌ها و نمایندگی‌های دیپلماتیک افغانستان در خارج به حالت نیمه برافراشته درآید.

یک روز پس از حادثه‌ی تروریستی که از آن حمله بر «ستون‌های قانون اساسی و مردم‌سالاری» یاد شده، افغانستان یک روز ماتم ملی گرفته و رییس‌جمهور و مقام‌های دولتی در مراسم فاتحه‌خوانی و ختم قرآن شرکت کردند.

در مصلی شهید مزاری نیز ختم قرآن کریم برگزار شد. همچنان در تمام ولایت‌های کشور، در مسجد جامع ولایات مقام‌های محلی با حضور مردم مراسم ختم قرآن و فاتحه‌خوانی برگزار کردند.

ماتم ملی در سوگ ۸۵ شهید جنبش روشنایی؛

شهدا به خاک سپرده شدند

چهارراه دهمزنگ؛ چهارراه شهدا نامگذاری شد/ جنبش روشنایی: «میدان شهدای روشنایی» نامگذاری شود
یک روز پس از ختم شدن تظاهرات مدنی و مسالمت‌آمیز جنبش روشنایی با فاجعه، ارگ ریاست‌جمهوری اعلام کرد که آقای غنی به‌منظور «گرامی‌داشت، احترام و ماندگاری یاد و نام شهدایی که بر اثر رویداد ترورستی گروه داعش، جان‌های‌شان را از دست داده‌اند»، چوک دهمزنگ را به‌نام «چوک شهدا مسمی کرده، تا نسل‌های ما به یاد داشته باشند که شهروندان کشور دموکراسی و مردم‌سالاری را به چه قیمتی به‌دست آورده‌اند.»

در اعلامیه‌ی ارگ ریاست‌جمهوری آمده است که رییس‌جمهور به شهرداری کابل هدایت داده است تا برای نام‌گذاری چوک دهمزنگ به چوک شهدا اقدام کند.

اما شورای عالی مردمی جنبش روشنایی از حکومت خواستار نامگذاری چوک دهمزنگ به «میدان شهدای روشنایی» شده است.

در اعلامیه‌یی که از سوی جنبش روشنایی منتشر شده، آمده است: «یاد و خاطره‌ی رشادت‌های شهدای روشنایی در تاریخ مبارزات عدالت‌خواهی کشور برای همیشه ماندگار خواهد بود، بنابراین از حکومت می‌خواهیم که چوک دهمزنگ را به «میدان شهدای روشنایی» نام‌گذاری و متار یادبودی را به این منظور اعمار کند.»

اعضای جنبش روشنایی نیز در مراسم آمادگی برای تشییع پیکرهای شهدا از حکومت خواستند که چوک دهمزنگ را به چوک شهدای جنبش روشنایی نامگذاری کند.

ده‌ها تن از کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز ضمن اعلام حمایت از این داعیه‌ی جنبش روشنایی بر تصمیم حکومت اعتراض و استدلال کرده‌اند که نامگذاری چوک دهمزنگ به چوک شهدا عام هست و باید مشخصاً چوک شهدای جنبش روشنایی نامگذاری گردد.

احمد بهزاد: حکومت به احترام خون شهدا، باید خواست‌های معترضان را قبول کند

جنبش روشنایی تأکید دارد که حکومت پس از این فاجعه، باید بدون تعلل، خواست معترضان را پذیرفته و لین برق ۵۰۰ کیلوولت را از مسیر «اصلی» آن (بامیان-میدان) عبور دهد.

در اعلامیه‌ی شورای عالی مردمی آمده است که این شورای «به احترام خون‌های جوانان شهید جنبش روشنایی بار دیگر تأکید می‌کند که دولت در زودترین فرصت ممکن به خواست جنبش روشنایی گردن نهاده و انتقال برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان را به مسیر اصلی آن یعنی بغلان-بامیان-میدان‌وردک برگرداند. جنبش روشنایی تا تحقق این خواست به اعتراض‌های مدنی خویش ادامه خواهد داد. خون‌بهای جوانان شهید روشنایی تنها عدالت است نه هیچ چیز دیگر.»

احمد بهزاد، یک عضو شورای عالی مردمی در گردهمایی

به‌منظور آمادگی برای تدفین شهدا در مصلی شهید مزاری به خبرنگاران گفت: امروز رفقای شهید و برادران شهید خود را با عزت و با شکوه دفن کنید، اما سر خون شهدای خود تا نفر آخر ایستاده‌ایم… بعد از تدفین شهدا وظیفه‌ی همه‌ی ماست که کمر ببندیم برای محقق ساختن آرمانی که شهدا برایش به شهادت رسیدند.»

آقای بهزاد افزود: «به حکومت هم چند حرف مشخص داریم. یک؛ به‌جای اعلام عزای عمومی، اگر واقعاً احترام می‌گذارید به خون این جوانان عدالت‌خواه، خواسته‌ی آن‌ها را برآورده سازید. مطالبه‌یی که این جوانان به‌خاطرش به شهادت رسیدند، بدون کمیسیون‌بازی و بدون هیأت‌بازی، بدون معامله‌گری، بدون چانه‌زنی با معامله‌گرهای حرفه‌یی، یک جمله بگویید که به‌خاطر احترام گذاشتن به خون شهدا و تحقق خواست و آرمان شهدا، ماستر پلان اصلی برق کشور تطبیق می‌شود و لین ۵۰۰ کیلوولت از مسیر بامیان- میدان ورک به سمت کابل امتداد می‌یابد.»

بررسی همه‌جانبه‌ی حادثه‌ی تروریستی

چگونگی انفجارها در محل تجمع اعتراضی جنبش روشنایی پرسش‌های زیادی را خلق کرده است. جنبش روشنایی خواستار بررسی جدی این حادثه است.

جنبش روشنایی می‌گوید، تأمین امنیت تجمعات مدنی از مسئولیت‌های حکومت و نهادهای امنیتی است. بنابراین مسئولیت حقوقی و قانونی رویداد ترورستی دهمزنگ به عهده‌ی دولت و نهادهای امنیتی است. در اعلامیه‌یی شورای عالی مردمی آمده است: «کم‌ترین اقدامی که از حکومت و رهبری قدرت ملی انتظار می‌رود، این است که با تشکیل کمیسیون حقیقت‌یاب متشکل از حکومت، نهادهای بین‌المللی و جنبش روشنایی، این رویداد بررسی و کسانی که در تأمین امنیت مردم کوتاهی کرده‌اند از وظایف‌شان تعلیق و در صورت اثبات جرم‌شان مجازات شوند.»

رییس‌جمهور دستور ایجاد کمیسیون با صلاحیت متشکل از «شخصیت‌های ملی دولتی و غیر دولتی به رهبری دادستان کل» کشور داده تا در خصوص واقعه تحقیقات همه‌جانبه نماید. در اعلامیه‌ی ارگ آمده است: «مقصر چه دولت باشد و یا بیرون از حکومت مورد مجازات قرار خواهد گرفت.»

احمد بهزاد می‌گوید که این موضوع بسیار پیچیده و مغلط شده است. او گفت جنبش روشنایی به حکومت و اقدامات آن اعتماد ندارد و باید نهادهای جهانی بررسی‌های مستقلانه‌ی این حادثه را انجام دهند.

او می‌گوید حکومت برای امنیت خود دیوارهای کانتینری ایجاد کرد، اما امنیت هزاران شهروند خود را نگرفت، در حالی که می‌توانست با ایجاد کمربندهای امنیتی و کنترل رفت‌وآمد از حادثه جلوگیری کند.

گروه طالبان مسئولیت این حمله را رد و گروه داعش مسئولیت آن را پذیرفته است.

واکنش‌ها به حمله‌ی تروریستی بر معترضان جنبش روشنایی / کمیسیون حقوق بشر:

قتل عام مردم بی‌گناه جنایت جنگی است

آماده‌است در پیکار با هراس افگنی، با کابل همکاری فعال داشته باشد.

نخست‌وزیر پاکستان در واکنش به این حمله‌ها می‌گوید که هراس افگنی، تهدید جدی در برابر صلح و ثبات در منطقه است. نوازشریف تأکید می‌ورزد که برای از میان‌برداشتن این تهدید، به همکاری‌های مشترک نیاز است.

نماینده‌های کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا نیز همدردی‌شان با خانواده‌ها و بستگان قربانیان و همچنان همبستگی خود با افغانستان را ابراز داشتند. سخن‌گوی فدریکا موگرینی، مسئول روابط خارجی اتحادیه‌ی اروپا گفته است: «اما همه افغان‌ها را فرا می‌خوانیم که متحد باقی بمانند تا به این ترتیب از تلاش‌ها در مبارزه علیه این خطر بین‌المللی حمایت کنند.»

مجتمع جامعه مدنی افغانستان: محکوم کردن‌های سیاسی هیچ دردی قربانیان را دوا نمی‌کند

مجتمع جامعه‌ی مدنی افغانستان نیز با نشر اعلامیه‌ی می‌گوید برپایی اعتراضات مسالمت‌آمیز حق مسلم شهروندان است و حکومت مکلف است که امنیت تظاهرات را تأمین کند.

در اعلامیه آمده: «ملت از مسئولین حکومت عمل می‌خواهد، این محکوم کردن‌های بیشتر سیاسی هیچ دردی از قربانیان ظلم و جنایات را مداوا نمی‌کند.»

اعلامیه افزوده که هرچند داعش مسئولیت این جنایت بشری را به عهده گرفته اما این مسئولیت گرفتن دال بر رفع مسئولیت دولت و به‌خصوص حکومت نمی‌شود.

این نهاد همچنان تشکیل کمیسیون‌های حقیقت‌یاب را یک تجربه‌ی ناکام دانسته و گفته که این تجربه حتا وقتی به حقیقت رسیده است با مصلحت برخورد کرده است.

جنبش روشنایی روز شنبه، دوم اسد در اعتراض به تشییع مسیر لین برق ۵۰۰ کیلوولت از بامیان- میدان وردک به سالنگ در نشست ۱۱ ثور کابینه‌ی حکومت وحدت ملی تظاهرات نامحدودی را آغاز کرد که با رخ دادن سه انفجار در محل تجمع معترضان، تحصن که هدف بعدی جنبش بود، برگزار نشد.

لغو فیصله‌ی یازدهم ثور کابینه، تطبیق ماسترپلان برق افغانستان و عبور لین برق ۵۰۰ کیلوولت از اصلی ترین خواسته‌های جنبش روشنایی است که تاکنون بر آن تأکید دارد و می‌گوید که به اعتراضات خود ادامه می‌دهد.

حمله را یک عمل شنیع خوانده و می‌گوید هر حمله‌ی عدمی که افراد ملکی را به‌صورت گروهی مورد هدف قرار دهد، جنایت جنگی پنداشته می‌شود.

این نهاد با نشر اعلامیه‌یی گفته است که این حمله بی‌حرمتی بزرگی است که به‌هیچ عنوان قابل توجیه نمی‌باشد. اعلامیه افزوده است: «حمله‌ی مذکور تلاشی جهت گسترش ترس میان افراد ملکی بوده که در پی از میان بردن آزادی‌هایی می‌باشد که افغان‌ها قربانی بی‌شماری را برای نیل به آن متحمل گردیده‌اند.»
سفارت امریکا در کابل نیز با نشر اعلامیه‌یی حمله به معترضان را محکوم کرده و گفته است که این بمب‌گذاری افراد ییگانه‌ی را هدف قرار داده که در تظاهرات مسالمت‌آمیز از حق قانونی خود برای اعتراض استفاده می‌کردند. سفارت امریکا در این اعلامیه ضمن همدردی با قربانیان و خانواده‌های آنان گفته است که امریکا در کنار دوستان افغان خود می‌ماند تا به تأمین امنیت و صلح در افغانستان کمک کند.

سفارت ایران در کابل نیز با نشر بیانیه‌یی وقوع حملات تروریستی و انتحاری در محل تجمع‌کنندگان جنبش روشنایی را به شدت محکوم کرده و با دولت و ملت افغانستان و بازماندگان و خانواده‌های قربانیان این رویداد همدردی عمیق خود را بیان کرده است.

واکنش‌های جهانی

نماینده‌ی ویژه‌ی دبیرکل سازمان ملل متحد در افغانستان حمله بر غیرنظامیان را مغایر ارزش‌ها و قوانین جهانی دانسته و این حمله را نکوهش می‌کند. بانکی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد نیز می‌گوید که این حمله‌ی نفرت‌انگیز، مردمانی را آماج قرار داد که از حقوق انسانی‌شان کار می‌گرفتند.

وزارت خارجه‌ی امریکا می‌گوید که عاملان این حمله، در آینده‌ی افغانستان جایی ندارند و این‌گونه حمله‌ها اراده‌ی ایالات متحده را برای ادامه‌ی مأموریتش در افغانستان و پشتیبانی‌اش از مردم و حکومت افغانستان را نیرومندتر می‌سازد.

نرندرا مودی، نخست‌وزیر هند نیز حمله‌های روز شنبه را در کابل نکوهش می‌کند و می‌گوید که هند در مخالفت قاطعانه با هراس افگنی، در کنار افغانستان ایستاده‌است.

ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهور روسیه در بیانیه‌یی، در کنار ابراز همدردی با حکومت و مردم افغانستان، تأکید می‌ورزد که مسکو



در دنیای بدون مرز، هدف رویا محبوب پرکردن شکاف میان آموزش مبتنی بر مکتب و شغل واقعی است.

رویا محبوب از همان ابتدا که چشمانش به کامپیوتری در تنها کافی نت هرات، افغانستان خورد، می دانست که او می خواهد در زمینه فن آوری ایجاد اشتغال کند، او در آن زمان ۱۶ ساله بود. او در سال ۲۰۱۰ و در سن ۲۳ سالگی زمانی که پایگاه نرم افزار افغان (ACS) را با هدف مشارکت زنان در کسب و کار فن آوری در حال رشد در کشورش بنیان گذاشت؛ اولین رییس اجرایی فن آوری در افغانستان شد. محبوب می گوید: «ما فکر نمی کنیم، قرار نیست افکار منتقدانه داشته باشیم.»

محبوب به عنوان یکی از هفت کودک خانواده بود که در ایران از پدر و مادر افغان زاده شد. والدینش در دوران تهاجم شوروی به ایران مهاجر شده بود که در سال ۲۰۰۳ و پس از سقوط حکومت طالبان به افغانستان برگشت، و تحصیلات دانشگاهی را آغاز کرد و دوره آموزش زبان انگلیسی را به پایان رساند. کوتاه زمانی پس از آن او همراه با برادران و خواهرانش به شمول خواهرش و شریکش الهه پایگاه نرم افزار افغان را تاسیس کرد. او می گوید: «به عقیده من، سواد دیجیتال، می تواند در گفت و گو جهانی به زنان قدرت بیان بدهد. آن ها می توانند مهارت های مختلفی را کسب کنند و در نهایت به استقلال مالی برسند.»

او روزی را به یاد می آورد که به همراه دوستی به سوی کافی نت می رفتند. آن دو تنها زانی حاضر در اتاق بودند بسیاری از مردان به آن ها خیره شده بودند. محبوب بدون این که اجازه دهد این مسایل آذیتش کند، از همان روز خودش را در دنیایی از فن آوری دیجیتال غوطه ور ساخت. محبوب می گوید: «من قدرت باور نکردنی رسانه های اجتماعی و فن آوری را در زندگی ام تجربه کردم، و تجربه کردم که این فن آوری چگونه مرا به دنیا وصل می کند که می توانم کارهایم را از خانه مدیریت کنم و تجارت ام را گسترش دهم.» اکنون ۶،۴ درصد مردم افغانستان به اینترنت دسترسی دارند و در طی ۱۰ سال گذشته تعداد کاربران اینترنت چندین برابر شده است.

ابزاری برای رد شدن از موانع

زنان در افغانستان معمولاً خانه نشین اند، و تنها با اعضای خانواده و دوستان نزدیک در تعامل اند. «کارهای اجتماعی انجام نمی دهیم، فرض بر این است که زنان نباید زیاد بخندند، این برای دختران یک موضوع بد تلقی می شود.» محبوب می گوید که او می خواهد ابزاری را در اختیار زنان قرار دهد تا با خودآموزی به مهارت هایی که نیاز دارند، دست یابند و فرصت های مالی را از خانه های خود ایجاد کنند که تنها راه رسیدن به این منظور به صورت آنلاین است.

به گفته محبوب، جامعه افغانستان مردسالار است، جامعه ای که در آن به زنان آموختن شده است که به آموزگاران، ملاها در دوران عبادت و والدین خود گوش دهند. او افزود: «ما باید ریسک کنیم. ما نیاز داریم که درست بفهمیم چه در جریان است.» هرچند در افغانستان مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی بیشتر و بیشتر می شود، به عقیده محبوب برای این که زنان از زیر

زنان در افغانستان معمولاً خانه نشین اند، و تنها با اعضای خانواده و دوستان نزدیک در تعامل اند. «کارهای اجتماعی انجام نمی دهیم، فرض بر این است که زنان نباید زیاد بخندند، این برای دختران یک موضوع بد تلقی می شود.» محبوب می گوید که او می خواهد ابزاری را در اختیار زنان قرار دهد تا با خودآموزی به مهارت هایی که نیاز دارند، دست یابند و فرصت های مالی را از خانه های خود ایجاد کنند که تنها راه رسیدن به این منظور به صورت آنلاین است.

سایه شوهران خود بیرون شوند باید کارهای زیادی انجام شود. به گفته او در جامعه ای که به زنان چشم اندازی باریکی از دنیا نشان داده می شود؛ اینترنت و فن آوری دروازه ای به دیگر نقاط جهان است. او توضیح می دهد: «فن آوری دروازه های زیادی را به رویم گشوده است، می خواهم این ابزارها را در اختیار دختران و زنان قرار دهم. آن ها می توانند شهروندان دنیای دیجیتال شوند، دنیایی که در آن نه مرزی وجود دارد و نه جامعه ای که برای آن ها ایجاد محدودیت کند.»

موانع یک جامعه محافظه کار

محبوب موانعی زیادی را به خاطر می آورد که در شروع ایجاد پایگاه نرم افزار افغان، در جامعه عمیقاً محافظه کار افغانستان با آن ها روبرو شده است. او می گوید: «چالش ها بی شمار بودند، هر روز یک درامه ای نو. یکی از مهم ترین چالش های که با آن مواجه بودیم این بود که نمی توانستیم مشتری پیدا کنیم؛ زیرا ما خانم ایم. کسی به ما اعتماد نمی کرد، در مورد فن آوری اطلاعات چیزی نمی دانستند، یا می خواستند پولی کمی به ما پرداخت کنند.»

او می گوید: «برخی ها تلاش داشتند در هر مرحله او و همکارانش را بازدارند. آن ها برایم جاسوس گذاشته بودند و زنان دیگر را تهدید می کردند تا با من همکاری نکنند.» بیرون از افغانستان او بازناب دهنده فکر مشترک است که مشکلات اصلی که افغانستان از آن متأثر است حضور گروه هایی چون القاعده، داعش و طالبان محلی است. «بلی، آن ها مورد نفرت اند، نه تنها از سوی من که از سوی هر زنی که در جامعه کار می کند. اما مردم و بسیاری از اطرفیانت هم خیلی محافظه کاراند، همسایه ها یا [همکاران در] محل کارتان.»

محبوب توضیح می دهد که ارتباط با این افراد بسیار دشوار است؛ زیرا آن ها قدرت مندانی در دولت یا بخش خصوصی اند، قدرتی که رسیدن به آن ها را دشوار می سازد. پس از تلاش ها برای تجارت به صورت محلی که به شکست انجامید، محبوب طرحی جایگزین برای ایجاد کسب و کار ابداع کرد. او از طریق رسانه های اجتماعی با شرکت های مختلف در تماس شد و از آن ها خواست که آیا مایل اند تا از خدمات یک شرکتی که توسط زنان اداره می شوند، بهره ببرند. محبوب به واسطه ی کارش شبکه ای خود را گسترش داد



خبرنگار ناراضی

هادی دریایی

چه کسی مسئول است؟

فاجعه ی دهمزنگ اتفاق افتاد. بیش از هشتاد شهید و صدها زخمی برجا گذاشت. این فاجعه در پایتخت حکومت وحدت ملی اتفاق افتاد. حکومتی که رییس جمهور و رییس اجرائیه دارد، حکومتی که امنیت ملی و وزارت داخله دارد. این جا حرف این نیست که دولت مردان مسئول هستند یا نه؟ این جا دولت مردان به حدی خشن و نائسان اند که باید ثابت کرد آن ها مسئول نیستند.

حالا چه کسانی در قبال این فاجعه مسئول نیستند؟

یک- ریاست جمهوری و ریاست اجرائیه: این دو نهاد با دو رییس و چهار معاون نه چندان محترم خویش اولین آدرس هایی اند که هیچ مسئولیتی ندارند. اشرف غنی که مصروف پشت کردن به خواست ها و حقوق برحق مردمان و درست در اختیار سیاست های فاشیستی شرکت برشنا، وقت ندارد به تامین امنیت جان شهروندانش فکر کند. عبدالله که شده سمبول دومین مرد قدرتمند جهان، همواره در وسواس پوشیدن کدام کفش و چه رنگ کت به سر می برد. معاونین ریاست جمهوری که یکی رفته در شمال زردآلو حلوا کند و دیگری در کابل علیه عدالت خواهی بلوا، پس حق دارند مسئول نباشند. معاونین ریاست اجرائیه را هم که می دانید، معاون اول که خدا یار جاننش، چون به اندازه ی یک شهروند عادی هم احساس تکلیف نمی کند. معاون دوم هم که از شروع حکومت وحدت ملی، تنها کاری که کرده این بود که علیه ملتی بایستد. معمولاً کسانی که علیه ملت خویش قرار می گیرند و معاون دوم رییس اجرائیه هم تشریف دارد، هیچ مسئولیتی ندارد.

دو- وزارت امور داخله: هرچند قانون وزارت امور داخله را به تامین امنیت تظاهرات های مدنی مکلف کرده، اما چون وزارت امور داخله ۹۹ درصد نیروی خویش را پشت کانتینرهای چندقطاره جایجا کرده بود و همان یک درصدی را هم که برای تامین امنیت مظاهره کننده ها فرستاده بود در سایه های دیوار دنبال هوای خنک بودند، بناءً فرصت نشد که پولیس ملی، کوجه ها و جاده های منتهی به چهارراهی دهمزنگ را کنترل کنند. لذا هیچ مسئولیتی در این قسمت متوجه این وزارت نیست. وزارت امور داخله امنیت قطارهای کانتینرها که سر راه جنبش روشنائی قرار گرفته بودند را تامین کرد. حتا یک تار مو از سر کانتینرها کم نشده. باورتان نمی شود، بروید از مردم محل بپرسید.

سه- امنیت ملی: حکومت وحدت ملی در کنار وزارت امور داخله یک اداره ی قدرتمند دیگر هم دارد که اسم آن امنیت ملی است. وظیفه ی این اداره، کشف خطر و جلوگیری از وقوع فاجعه در همکاری با سایر ارگان های امنیتی است. اما مامورین این اداره دیدند که پولیس ها و اردو پشت کانتینرها قرار دارند و چون جنبش روشنائی از دهمزنگ پیش رفتند و این پولیس ها و اردوها جشن خارشت پشت گردن برگزار کرده، فلهذا تصمیم گرفتند که کشف نشوند. کشف نکردن به این معنا نیست که اداره ی امنیت ملی مسئولیت داشته، مرتیکه دلش خواست کشف می کند، دلش نخواست کشف نمی کند. مگر زور است؟

چهار- گارنیزویون کابل: گارنیزویون کابل شب قبل از تظاهرات اعلام کرد که مسیر تظاهرات باید مصلی شهید وحدت ملی- کوته سنگی- دهمزنگ باشد تا ما بتوانیم امنیت تظاهرکنندگان را تامین کنیم. شما دیدید که درست طبق خواست گارنیزویون کابل شد. حتا یک نفر هم از چوک دهمزنگ پیش تر نرفت. جنبش روشنائی هرچند نقطه ی آخر تظاهرات را جای دیگری تعیین کرده بود، اما به خاطر آن که کسی تلف نشود و بهانه دست حکومت نیافتد، به خواست حکومت در دهمزنگ متوقف شد تا باشد که گارنیزویون کابل طبق برنامه ی خویش امنیت را تامین کند. اما هوا گرم بود، مامورین این اداره هم دنبال سایه می گشتند. اداره یی که مامورین آن در هوای گرم دنبال سایه بگردند، در کدام قانون مسئول است؟ در هیچ قانونی. پس گارنیزویون کابل هم مسئولیتی نداشته. خیر است اگر رییس این اداره یک شب قبل مقداری ورزش دهن کرده و چیزی گفته، مگر نمی دانید که این جا افغانستان است؟

پنج- اگر در کل بنشینیم و محاسبه کنیم، هیچ یکی از مقامات حکومت مسئولیت ندارد. آن ها به این دلیل مقام نشده که از فجایع جلوگیری کنند. بلکه بیشتر به این دلیل مقام شده تا فاجعه خلق کنند. مثل همین شرکت محترم برشنا که مسیر انتقال برق را تغییر داد و هرچه مردم خواستند که تغییر نده، او از لجاش پایین نیامد. مردم را تحقیر کرد، عدالت را نقض کرد، باعث شد مردم برای عدالت و برای حق مشروع خویش دست به اعتراض بزنند و به جاده بیابند و در نهایت فاجعه ای که اتفاق افتاد.

شش- شرکت برشنا و وزارت انرژی و آب: اگر شرکت برشنا مسیر را تغییر نداده بود، اگر وزارت انرژی و آب برای قانع کردن رییس جمهور، آمار غلط بیرون نمی داد تا رییس جمهور و رییس اجرائیه به خواست مردم پشت کنند و حق مردم را زیر پا کنند، آیا بازهم جوانان این وطن در دهمزنگ تکه تکه می شدند؟

من هرچه دنبال مسئول گشتم، نیافتم. شما بگویید چه کسی مسئول است؟

عبور از حیرت‌زدگی دعوت به تفکر و رفتن به ورای ترس و حیرت

کلمه عمران راتب



روزی بود گرم و آزارنده، مرز و حدسازی‌های حکومت وحدت ملی بی‌شمار و کانتینرها همچنان بر روی هم در دل خیابان‌ها دیوار شده، مسیرهای تعیین‌شده‌ی تظاهرات مسدود، قیودات وضع‌شده‌ی اداره‌های دولتی بر کارمندان‌شان نافذ و کمر بندهای فقر بر کمر مظاهره‌چیان بسته و سکه‌های گرسنگی بر جیب‌ها انباشته؛ با این حال، عزم قوی، گام‌های استوار و متین، صداهای رسا، منطقی مدنی و اخلاق خوشایند و بی‌نظیر مجموعه مواردی بود که ماهیت تظاهرات مهیج و پرشکوه دیروز را می‌ساخت. واقعیت پدیده‌ی به‌نام «دوم اسد» را در متن این مؤلفه‌ها باید جست. در چنین شرایطی، هزارها انسانی که سال‌های آزرگار در دل یک سنت و فرهنگ حذف و به حاشیه‌راندن زندگی کرده‌اند، به خیابان سرازیر می‌شوند تا این ساختار حذفی و نگاه بدوی مسئولین حکومتی را نسبت به خود تغییر دهند، از ارزش و عمق اندکی برخوردار نیست. تصور چنین واقعیتی رهایی‌بخش در بیجاپیچ معاملات و سازش‌های پشت‌پرده‌ی حکومت با تیکه‌داران قومی، ما را به‌جایی می‌برد که به این امر ایمان بیاوریم؛ شهروندان دیگر آن قدر شعور و درک دارند که بتوانند صغرا و کبرای سرنوشت‌شان را تشخیص بدهند.

جنبش روشنایی یک جنبش مردمی، مدنی و با خواست و مطالبه‌ی روشن و صریح بود. آن‌ها در پس این داعیه‌ی‌شان کوهی از اسناد و مدارک را با خود داشتند که دال بر ناعادلانه بودن تصمیم کابینه‌ی حکومت وحدت ملی بود. راهی را که این جنبش برای به‌دست آوردن حقش در پیش گرفته بود نیز پذیرفته‌شده‌ترین و منطقی‌ترین راه مبارزه در عصر کنونی است: اعتراض مدنی و برپایی خیمه‌ی تحصن. اما موضع حکومت، شاید بتوان آن را از شمار نامدنی‌ترین برخوردها در طول تاریخ دموکراسی با یک جنبش مدنی خواند. آخرین تیری که از اردوگاه حکومت به‌سوی این جنبش شلیک شد، همان سخن غیرقابل باور دیروز بعد: «احتجاج‌کنندگان». این غیرمنطقی‌ترین و ناعادلانه‌ترین مکافاتی است که یک حکومت امروزه می‌تواند به مطالبات مردمی بدهد. در چنین شرایطی، نمی‌توان از تکرار این حرف در طول تاریخ خودداری کرد که حکومت تنها مسئول حادثه‌ی دوم اسد سال ۱۳۹۵ است. طلسم دیرپا و ناگوار معادلات سیاسی و مناسبات حکومت-شهروند شکست، اما با خون. تغییر نام چوک دهمزنگ به‌نام «چوک شهدا» به‌عوض «چوک شهدای جنبش روشنایی»، ابهام دیگری است در کار و صداقت حکومت. در میان گمانه‌زنی‌های فراوانی که اکنون وجود دارد، این نام‌گذاری می‌تواند به شک و تردیدهای دیگری دامن بزند. با این حال، فاجعه قربانی سنگینی از جامعه گرفت. نمی‌توان آن را فراموش کرد. تاریخ از همین حالا برای این قربانیان در دل خود جایگاه تعیین کرده است. زنده نگهداشتن یاد و نام قربانیان در کنار ارج‌گذاری به رشادت و مبارزات راستین آن‌ها، به ما کمک می‌کند تا از تکرار حوادث این چنین مهلک در آینده جلوگیری کنیم و به امتداد راه در افق نظر اندازیم. اما نباید در خاطره‌ی صرف زندگی کرد. باقی‌ماندن در خاطره باعث می‌شود که آن خاطره را برای همیشه تبدیل به موقعیت حال خود کنیم و از گذشته و آینده دور اقیتم. نتیجه‌ی عینی این‌سان برخورد کردن با خاطره، این است که ما را بی‌تاریخ می‌کند. نشانه‌های تاریخی را باید در موقعیت و زمان وقوع آن‌ها گذاشت و از موقعیت دیگری به آن‌ها دید. نباید تاریخ را به اکنون تبدیل کرد و از تاریخیت آن ساقط نمود. نام‌گذاری دهمزنگ به یاد قربانیان جنبش روشنایی، امری است نیک، اما دهمزنگ در خود نیز نشانه‌ی تاریخی‌یی است که چیزهای ماندگار و بزرگی با نام آن گره خورده است. بهتر است این تاریخیت دهمزنگ و دلالت نمادین کنونی آن به‌نحوی با هم پیوند بخورد. باری، حالا تنها کاری که می‌توان کرد، این است که به چیزی ورای ترس و توحش و حیرتی فکر کنیم که روح پایتخت را تا اطلاع ثانوی به گروگان گرفته است. ماندن در میان هول و وحشت، باعث خلق سوژه‌ی مبهمی می‌شود که در یک‌سوی آن افسردگی مفرط و درخود قفل‌کننده و در سوی دیگر، احساسات یک‌جانبه و غافل‌ماندن از پرداختن به وظیفه‌ی پیش‌رو قرار دارد. تردیدی نیست که عمق این فاجعه روح هر انسانی را به چارمیخ وحشت کشیده و احساسات را به کار انداخته است، اما ما به این احساسات نیاز داریم، نه به‌خاطر ماندن در یک نقطه، بل عبور از موقعیت حیرت‌زدگی و یا احساس مغلوب‌شدگی و طی کردن ادامه‌ی راه.

باری، مالا تنها کاری که می‌توان کرد، این است که به پیروی ورای ترس و تومش و میرتی فکر کنیم که روح پایتخت را تا اطلاع ثانوی به گروگان گرفته است. ماندن در میان هول و وحشت، باعث فلق سوژه‌ی مبهمی می‌شود که در یک‌سوی آن افسردگی مفرط و درفود قفل‌کننده و در سوی دیگر، احساسات یک‌جانبه و غافل‌ماندن از پرداختن به وظیفه‌ی پیش‌رو قرار دارد. تردیدی نیست که عمق این فاجعه روح هر انسانی را به چارمیخ وحشت کشیده و احساسات را به کار انداخته است، اما ما به این احساسات نیاز داریم، نه به‌خاطر ماندن در یک نقطه، بل عبور از موقعیت حیرت‌زدگی و یا احساس مغلوب‌شدگی و طی کردن ادامه‌ی راه.

ورزید. فقط کافی است این مسأله را در نظر بگیریم: بیش از سه ماه است که میلیون‌ها شهروند با رویکرد مدنی و با استفاده از حق اساسی‌شان علیه تبعیضی که حکومت بر آن اعمال می‌کند، دست به اعتراض زده‌اند. در نقطه‌نقطه‌ی جهان امروز رسم بر این است که حکومت مسئول حفظ و تأمین امنیت شهروندان، در هر موقعیت و مرحله باشد. حکومت وحدت ملی نه‌تنها این کار را نکرده است، بلکه گاهی با ایجاد موانع رسوایی‌بار و جاسازی کانتینرها در خیابان‌های شهر، گاهی در قلب دموکراسی جهان با مشت زدن به دهن معترض و گاهی هم با فریب و نیرنگ‌های گوناگون به خرد مدنی و حق شهروندی این انسان‌ها تمخسر زده است. اینک نیز به‌عوض اقتناع منطقی این مردم و پاسخ‌گویی به مطالبات آن‌ها، هشدار می‌دهد که حملات انتحاری در راه است و بعد هم خطاب به تعداد نامعلوم قربانیان و بازماندگان‌شان، می‌نویسد: «احتجاج‌کنندگان». آیا این خود‌گواه روشنی نیست بر ماهیت مسأله و نقش ابهام‌انگیز حکومت در وقوع فاجعه؟ تظاهرات روز گذشته‌ی جنبش روشنایی، برای اولین بار و با قدرت فراوان، این واقعیت دیرینه‌ی تاریخ را روشن ساخت که بنیه‌ی استبداد و ستم آن‌قدرها هم استوار و محکم نیست که بتواند در برابر خیزش و جنبش مردمی تاب آورد. ظاهر امر این بود که مردم، می‌خواهند یک مورد حق مشخص و روشنی را که از آن‌ها گرفته شده، پس بگیرند، اما این تبیین بیش از حد ساده‌انگارانه و ضعیف است. محتوای ایجابی و عمق ماجرا در تظاهرات و رخداد بعدی آن، این بود که ما دیروز شاهد گشوده شدن صفحه‌ی جدیدی در تاریخ سیاسی و فرهنگ و مناسبات شهروندی بودیم: ایدال قهرمان‌گری مبتنی بر قومیت، به‌تمام معنا فرو ریخته است. این را از شکوه و شور مردم، از میزان اختلاط و اشتراک اقوام گوناگون در صف‌های طولی مظاهره‌چیان و از نفرتی که در هر سخن این مظاهره‌چیان نسبت به سران حکومت و از عهدی که در حق خواهی و کردار مدنی آن‌ها مشاهده می‌شد، می‌توان درک کرد.

ابعاد این حادثه پیچیده و چندلایه می‌نماید. با توجه به گستردگی حادثه، بطالت حکومت و مدنیت محض تظاهرات‌کنندگان، اکنون که وحشت مطلق همه را فرا گرفته، نمی‌توان در مقام قضاوت نشست. کنترل نظری فراگیر بر تمام ابعاد آن، نیز اکنون ناممکن است. تعدادی از مردم از دست داشتن حکومت در سازماندهی و مدیریت این حادثه حرف می‌زنند. اثبات رسمی این امر سهل نیست، کلیت وضعیت اما، بیان‌گر این است که حکومت مسئول دست‌آورد این حادثه‌ی تکان‌دهنده است. بگذارید این‌گونه بیان کنم: حکومت وحدت ملی و در رأس آن، اشرف غنی همچون دوره‌های دور و سیاه تاریخ این کشور، خود را عملاً در برابر شهروندان بی‌دفاع و مدنی کشور قرار داده است. با جبر و تبعیض روشن، تصمیمی را به اجرا می‌گذارد که تفاوت زیادی با قتل‌عام‌های آشای تاریخ سیاه این کشور ندارد: غصب عمدی حق میلیون‌ها شهروند و حذف سیستماتیک آن‌ها از حوزه‌ی عمومی. یک روز قبل از تظاهرات ماندگار دوم اسد، گارنیزویون کابل با منطق بجانگانه‌ی افشا می‌کند: «ممکن است حملات انتحاری رخ بدهد.» چه نشانه‌ی صریح‌تر از این برای نقد ضعف دفاع‌ناپذیر حکومت و شورای امنیت در این فاجعه؟ گنداب چندین ساله‌ی که افغانستان در آن دست‌وپا زده است، این امر را بدیهی می‌سازد که در این بحبوحه، حکومتی که هنوز رابطه‌اش با ملت را بر اساس نگرش‌های قومی عیار می‌سازد، نه در مقام مسئول حفظ امنیت و تأمین مصونیت شهروندان و پاسخ‌دهی به خواست‌ها و مطالبات مدنی آن‌ها، بل در موقعیت دشمنی و ستیز با این شهروندان وارد صحنه شود. یعنی با هر تحلیلی جز این، چگونه می‌توان باور کرد که ارگ ریاست‌جمهوری به‌عوض پیش‌گیری از وقوع چنین حادثه‌ی مهیب و بعد رسیدگی به زخمیان و تسلی بازماندگان قربانیان، بنویسد: «احتجاج‌کنندگان»؟ بدون شک، این کودتایی است علیه تاریخی که منطق سیر آن رفتن به عقب و غرق شدن در مغاک نیست. این واقعیتی است که نمی‌توان بر انکار آن تأکید

اعتراض مدنی سیمای ماتم به‌خود گرفت و پارچه‌ی سهرنگ طولیل سرخ، سیاه و سبز، یک‌سره سرخ و خونین شد. بنری در یک گوشه افتاده، آمیخته با خون، این متن رویش نقش بسته است: «ما را حذف نکنید!» مادر پیری با پلاستیکی در دست، دور تکه-پارچه‌های بدن و خون‌های لخته‌شده می‌گردد. چادر ندارد و گریه می‌کند. می‌گویم: مادر... و زبانم بند می‌آید و گلویم را بغض فروخته در خود قفل می‌کند. صدای مادر پیر را می‌شنوم: حمیده... صدایش قطع می‌شود و دوباره با بغض و گریه ادامه می‌دهد، کمی روشن‌تر: حمیده... نمی‌دانم حمیده‌ی مقفود و شاید آن‌تکه-تکه‌شده، دخترش بوده یا هم... هیچ نشانی از نیروهای امنیتی و امبولانس‌های دولتی در محل رخداد نیست. حالت وحشتناک و جهنمی بر محل سیطره دارد. جوانی که یخن‌قاق سفیدش پر از خون است و کفشی در پا ندارد، به هر طرف می‌دود. مهپوت و پریشان. به‌نظر می‌رسد هیچ نمی‌داند چه کار باید بکند. ازش پرسیده می‌شود: کجا می‌روی؟ تددند نگاهم می‌کند و به دویدنش در اطراف خون‌ها و بدن‌های حذف‌شده ادامه می‌دهد. فضا آن قدر هولناک و غریب است که نمی‌توان توصیفش کرد. آن‌جا که فاجعه از حد تصور و طاقت فزون‌تر می‌گردد و قاعده بر هم می‌خورد، زبان نارستارترین ابزار می‌شود جهت توصیف این صحنه و کلام از معنا تهی می‌شود. گویا این‌جا هولوکاست دیگری اتفاق افتاده است. در میان گریه و فریاد، صدایی شنیده می‌شود: کجا برویم؟ این جمله طوری ادا می‌شود که گویا دهمزنگ تبدیل به تنها میدان ابدی مرگ و زندگی شده است. درد تا عمق استخوانم تنوره می‌کشد. نمی‌توان به قلب این رخداد مهیب نفوذ کرد. زبان بند می‌آید و پاها سست می‌شوند. شاید بدترین برخوردی که عجالتاً با این رخداد می‌توان داشت، این است که در صدد تحلیل و تجزیه‌ی سطحی و روزمره‌ی آن برآییم. فقط می‌توان به آن چشم دوخت و بر خود لرزید. یادم می‌آید یک‌ساعت قبل همین بدن‌های تکه-تکه‌شده، با یک‌صدا فریاد می‌زدند: «دوم اسد، پایان تاریخ تبعیض سیستماتیک». هیچ‌زبانی قادر نیست میان این دو لحظه پیوند برقرار کند و تصویر واحدی از آن به‌دست بدهد. اما این گریزی بیش نیست. گریزی که زبان و ذهن وحشت‌زده در آن هم‌دست شده‌اند. شاید اگر در میان بازماندگان و شاهدان فاجعه بایستیم، نشانه‌هایی دست‌گیرمان شود که بتواند آن شعار را در قلب فاجعه برای ما ترجمه کند: صداهای لرزنده و قطعه‌قطعه از گلو خارج می‌شوند: «اشرف غنی، عبدالله، این بود پاسخ حرکت مدنی و حق شهروندی ما؟» و این سوال سنگین و هولناک در کنار تابلویی که در دلش نوشته شده بود: «اشرف غنی، عبدالله، برگردانید حق ما»، همچنان بی‌پاسخ می‌ماند و بر هول و وحشت بازماندگان افزوده می‌شود.

چهلک

سخن‌آورد

برای مسیر پیش رو

حالا ۸۵ نفر از جوانان دلیر و پرورده را از دست داده‌ایم. ده‌ها نفر دیگر مجروح‌اند. فضای اجتماعی ملتهب است و همه به درجات داغدارانند.

آنانی که خیلی جوان نیستند، جنگ‌های داخلی مردم هزاره را خوب به یاد دارند. ورود جوانان در آن جنگ‌ها یک مکانیسم داشت. ابتدا که جوانان به احزاب می‌پیوستند و مثلا نهضتی و نصری و سپاهی و... می‌شدند، برای آرمان‌های مرامنامه‌ی آن احزاب می‌پیوستند (عده‌ی هم به‌خاطر نزاع‌های محلی به این احزاب پناه می‌بردند). مرامنامه‌های آن احزاب را بخوانید. چیزی جز روشنی و عدل و آبادی و آزادی عرضه نمی‌کردند. جوانان آرمان‌گرا و آزادی‌خواه و دلاور به‌خاطر آن میوه‌های ارجمند بود که به باغ احزاب می‌رفتند. اما در عمل، چنان که معمول است، آن‌چه پیروان و اعضای آن حزب‌ها با آن سروکار می‌یافتند رقابت آرمان‌ها و مرامنامه‌ها نبود؛ آنان در جنگ قدرت درگیر می‌شدند. این است که آن که «نصری» بود نصری بودن برایش هویتی غیرقابل عبور می‌شد و آن که «حرکتی» بود، دیگر نمی‌توانست حرکتی نباشد.

چرا؟

برای این که آدمی معمولا به چیزی که برایش هزینه داده است، سخت می‌چسبد. آدمی دلبسته و حتا شیفته‌ی آن چیزی می‌شود که در آفریدن و ابداعش نقش داشته است. بسیاری از جوانانی که ابتدا با جاذبه‌ی آرمان‌های آن احزاب به عالم سیاست و تفنگ‌به‌دوشی پیوستند، وقتی که زخمی شدند و رفیق از دست دادند و دشمن پیدا کردند و حزب برای‌شان حیثیت ناموسی یافت، دیگر نتوانستند مسیر دیگری انتخاب کنند. به همین خاطر، تا آخر خط رفتند و همه چیز خود را فدای راهی کردند که حتا وقتی که به بیراهه تبدیل شده بود نیز راهروان خود را به دنبال خود می‌کشید.

اکنون، باز با آن قصه روبه‌رویم. اعضا و فعالان جنبش روشنائی پس از فاجعه‌ی دهم‌زنگ با عزم راسخ‌تر و ایمانی خالص‌تر از ادامه‌ی تظاهرات نامحدود سخن می‌گویند. معلوم نیست اصرار بر این گزینه، که حالا حیثیت ناموسی پیدا کرده و پس از ریخته شدن خون ده‌ها انسان گزینه‌ی ناگزیری به‌نظر می‌آید، چه عواقبی خواهد داشت. همین قدر می‌دانیم که لجاجت دولت در برابر یک خواست ساده و مشروع و اصرار رهبران جنبش روشنائی بر انجام تظاهرات نامحدود وضعیت را پیچیده‌تر و بحران را فاجعه‌انگیزتر خواهد کرد.

آیا بمب‌گذاری خونین در کابل نشانه‌ی تغییر تاکتیک‌های دولت اسلامی است؟

اگر داعش مسئول حملات انتحاری روز شنبه بوده باشد، این اولین و بزرگترین حمله‌ی آن‌ها بر غیرنظامیان در کابل است

ترجمه: حمید مهدوی

گاردین/سونه انجل راسموسن



در حالی که تعداد دقیق مهاجمان و انفجارها معلوم نبود، مقام‌های افغان تایید کردند که داعش پشت این بمب‌گذاری‌ها است. اگر حقیقت داشته باشد، این اولین حمله‌ی دولت اسلامی بر یک جمعیت غیرنظامی در کابل و بزرگترین حمله‌ی آن در افغانستان خواهد بود که صرف چند ماه بعد از آن اتفاق می‌افتد که رییس‌جمهور افغانستان لاف زد که این کشور «گورستان» داعش خواهد بود.

است به تنش‌های فرقه‌ی در افغانستان دامن بزند، کشوری که باوجود اختلافات، خشونت قومی/فرقه‌ی را که دیگر کشورهای منطقه تحمل می‌کنند، تجربه نکرده است. یک حمله‌ی مشابه در سال ۲۰۱۱ که در نتیجه‌ی آن نزدیک به ۸۰ تن از شیعیان، اکثرا هزاره‌ها، در روز عاشورا کشته شدند، اقدامات تلافی‌جویانه را بر نیانگیخت. در صورتی که ایالات متحده‌ی آمریکا متقاعد شود که داعش پشت حمله‌ی روز شنبه بوده است، بی‌تی دام در مورد گسترش حضور نظامی ایالات متحده هشدار داد. او گفت: «یک راه‌حل نظامی برای این جنبش کوچک در افغانستان، صرف ناآرامی و حمایت از شورشیان را بیشتر خواهد کرد، درست همان طوری که ما در ۱۵ سال گذشته شاهد آن بوده‌ایم.»

را نشان بدهد. بی‌تی دام، گزارشگر تحقیقی و کارشناس مسایل طالبان و القاعده در افغانستان، در مورد هرگونه نتیجه‌گیری‌های پیش از وقت هشدار داد. او گفت که این احتمال نیز وجود دارد که مهاجمان «گرگ‌های تنها» بوده باشند و راضی شده باشند خودشان را به‌خاطر ایرداختن پول به خانواده‌های‌شان قربانی کرده باشند و پس از آن داعش مسئولیت حمله را برعهده گرفته باشد.

دولت اسلامی علاقمند است توانایی‌اش در افغانستان را به نمایش بگذارد و قبلا مسئولیت حملات را برعهده گرفته است، بدون این که ثبوتی ارائه بدهد. به‌طور مثال، بازرسان فرانسوی هنوز هیچ‌گونه ثبوت و شواهدی مبنی بر ارتباط داشتن محمد لجوایح بوهلال، مهاجم نیس در فرانسه، با دولت اسلامی نیافته‌اند. این گروه مسئولیت این حمله را نیز از طریق اعلان آن در خبرگزاری اعماق برعهده گرفت.

در افغانستان، غیرنظامیان و طالبان، به‌صورت یکسان، دولت اسلامی را یک گروه خارجی می‌دانند. کولگمن گفت که حمله در کابل بیشتر نشانه‌ی ظریفیت بود تا قدرت. او گفت: «انجام دادن یک حمله‌ی بزرگ در پایتخت این کشور وحشتناک است، اما این لزوما مقدمه‌ی برای تصرف مناطق و دستیابی به نفوذ عمیق نیست». حکومت افغانستان، به نوبت خودش، با استفاده از دولت اسلامی ضرورت تداوم حضور آمریکا [در افغانستان] را استدلال کرده است. اشرف غنی، رییس‌جمهور افغانستان، سال گذشته در سخنرانی‌ی در کانگرس ایالات متحده‌ی آمریکا داعش را یک «تهدید وحشتناک» خواند. اگر بیانیه‌ی داعش را مبنای قضاوت قرار بدهیم، این گروه احتمالا قصد داشته

تا روز شنبه، باشندگان کابل اکثرا از طریق گزارش‌ها در مورد جنگ گروه‌های کوچک ملیشه‌هایی که تحت این نام در برخی از ولسوالی‌های شرقی می‌جنگند، از فعالیت دولت اسلامی در افغانستان آگاهی داشتند. آن‌ها هرگز حضور این گروه را این قدر نزدیک احساس نکرده بودند. به‌نظر می‌رسد که روز شنبه این احساس تغییر کرده باشد. به گفته‌ی اعماق، خبرگزاری این گروه، این داعش بود که دو بمب‌گذار را در میان مظاهره‌کنندگان غیرنظامی، جمعیتی که به هدف صلح‌آمیزی گردهم آمده بودند، فرستاد و حداقل ۸۰ تن را کشت و بیش از ۲۰۰ تن دیگر را زخمی ساخت. این گروه در بیانیه‌اش این جمعیت را «یک گردهم‌آیی شیعیان» خواند. اکثریت معترضان اعضای اقلیت قومی هزاره بودند. طالبان به‌سرعت آن‌چه را که یکی از مرگبارترین حمله در افغانستان از سال ۲۰۰۱ بود، محکوم کردند.

در حالی که تعداد دقیق مهاجمان و انفجارها معلوم نبود، مقام‌های افغان تایید کردند که داعش پشت این بمب‌گذاری‌ها است. اگر حقیقت داشته باشد، این اولین حمله‌ی دولت اسلامی بر یک جمعیت غیرنظامی در کابل و بزرگترین حمله‌ی آن در افغانستان خواهد بود که صرف چند ماه بعد از آن اتفاق می‌افتد که رییس‌جمهور افغانستان لاف زد که این کشور «گورستان» داعش خواهد بود. میکایل کولگمن، مسئول جنوب آسیا در مرکز ویلسن، گفت که این حمله نشانه‌های داعش را با خود داشت و احتمالا توسط اعضای پیشین گروه طالبان که «به صفوف داعش پیوسته‌اند و مصمم هستند تا نفوذشان را به نمایش بگذارند» انجام شده است. هیچ مدرک و شواهدی نشر نشده است که ارتباط مستقیم مهاجمان با داعش در عراق و سوریه

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

jawad.najee@gmail.com

❖ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
❖ معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
❖ سردبیر: جواد ناجی
❖ دبیر خبر: عصمت الله سروش
❖ گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش
❖ ویراستار: عمران راتب
❖ صفحه‌آرا: هادی دریابی
❖ بازارباز: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
❖ ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
❖ آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
❖ شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
❖ مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲
❖ چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



Ehsan Qaane

به عنوان فعال عدالت انتقالی می نویسم:

براساس اسناد حقوق بشر دوستانه بین الملل - به شمول اساسنامه رم که افغانستان آن را در اول می ۲۰۰۳ امضا کرده است - هدف قرارداد افراد ملکی جرم جنگی و جنایت علیه بشریت است. بدون تردید حادثه ۲ اسد ۱۳۹۵، هدف قرارداد افراد ملکی بود.

عدالت انتقالی به عنوان مجموعه مکانیزم‌های حقوقی و اجتماعی در این مورد حکم می کند:

۱- برای قربانیان جبران خسارت شود. این جبران خسارت می تواند مادی و معنوی باشد. به زخمی‌ها و خانواده‌های شهدا باید با کمک‌های مادی و مالی توجه جدی صورت بگیرد. این امر ممکن با پرداخت مقدار پول به صورت متداوم باشد. فرزندان شهدا و زخمی شدگان نباید از تحصیل باز مانده. جبران خساره معنوی باید به گونه‌یی باشد که قربانیان و خانواده‌های قربانیان پیوندی میان خودشان و جبران خسارت پیدا کنند - نام گذاری خساره عمومی و ایجاد موزیم‌ها می‌تواند به عنوان نمونه‌های از جبران خساره معنوی باشد - نام گذاری دهمزنگ تنها به نام شهدا، نمی‌تواند این پیوند را ایجاد کند. پیشنهاد می‌شود که نام آن «چهاراهی شهدای روشنائی» گذاشته شود. در میان چهارراهی منار یادبودی اعمار گردد. در این منار یادبود، عکس‌ها و نام‌های قربانیان، زمان حادثه، نوع حادثه و نیز دلیل جمع شدن قربانیان در دهمزنگ درج گردد. دولت باید موزیمی در این مورد خاص یا یکجا با حوادث دیگر در شهر کابل ایجاد کند. تا آثار باقی مانده از شهدا و زخمی شدگان همراه با زندگی نامه‌های شان در آن نگهداری شود. حادثه ۲ اسد و سایر حوادث بخشی از تاریخ خون‌بار افغانستان است که باید برای تاریخ ثبت شود. این حق آیندگان است تا بدانند در کشور شان چی اتفاق افتاده است. باید بدانند که تجربه‌های تلخ را دوباره تجربه نکنند.

این گونه است که ما به صلح پایدار و اصلاحات اساسی می‌رسیم. ۲- عاملین جنایات باید محاکمه شوند و عدالت در موردشان تأمین گردد. برای نیل به این مقصود سه نوع محکمه می‌تواند ایجاد گردد. محاکم ملی - متأسفانه محاکم افغانستان توان رسیدگی به این گونه جرایم را ندارد. محاکم بین‌المللی - می‌تواند محکمه موقت با همکاری سازمان ملل ایجاد شود یا از محکمه بین‌المللی جزایی خواسته شود تا در این مورد اقدام کند. محاکم دورگه - سازمان ملل متحد با یکجا کردن ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی می‌تواند به تأسیس چنین محکمه‌یی اقدام کند. اکنون وظیفه فعالین مدنی و حکومت است تا به شورای امنیت سازمان ملل متحد و نیز محکمه بین‌المللی جزایی بنویسند و از آن دو نهاد تقاضای مداخله برای تأمین عدالت نمایند.

۳- ایجاد شبکه داوطلبانه از خانواده‌های شهدا و قربانیان - این شبکه برای دادخواهی و نیز همکاری برای ایجاد موزیم و نیز ارایه دادخواست به محکمه بین‌المللی جزایی کار کند.

با گذاشتن این پست از همکارانم در گروه هماهنگی عدالت انتقالی می‌خواهم، رهبری این حرکت عدالت خواهانه را بر عهده بگیرند.



Kawa Jobran

شرط عقل و انصاف نیست که همه کاسه‌ها و کوزه‌ها بر سر برنامه‌ریزان مظاهره شکسته شود. این که آن‌ها مردم را به خیابان کشیده‌اند و بنابراین، متهم ردیف اول اند. آن‌ها حق داشتند که برای

تظاهرات تبلیغ کنند و مردم حق داشتند که به خیابان بیایند. همان گونه که قانون به همه این حق را داده است. سردارانی که گرد میزهای گرد رسانه‌ها نشسته‌اند و پیوسته به جنب سیاسی جنبش اشاره می‌کنند، این را نیز می‌دانند که حکومت بنابر وظیفه و مسئولیت باید امنیت جان تظاهرات کنندگان را تأمین می‌کرد که نکرد. اکنون با این دفاع بچه‌گانه که حکومت از قبل، مظاهره‌چیان را از خطرات احتمالی انفجار و خشونت مطلع کرده بود، چه چیزی به اثبات می‌رسد: این که رسانه‌های حکومتی و کارشناسان مزدبگیر، کارشان را درست بلد نیستند. و نیز از وطن‌داران که خون این همه آدم و نفس خواسته‌ی معترضان را ندیده‌اند اما شگفت‌تر از آن قومیت‌شان را خوب تشخیص داده‌اند؛ در عجبم که حتا یک مغز ساده‌ی حسابگر و سالم نیز می‌تواند این نکته را ثابت کند که شتر خشونت و سرکوب دم‌خانه‌ی هر کسی می‌تواند بخوابد. حالا این پشتون باشد، یا تاجیک و هزاره و اوزبیک و پشه‌یی و... حالا از صلح‌رحم و انسانیت بگذریم که فقط قومیت، آن را در این سرزمین تحریک می‌کند، دست کم عقل حسابگر که می‌تواند جنایت امروز را به تاوان همه‌ی اقوام تشخیص دهد. فرض این که توطیه‌ی داخلی باشد، پس آسپیش عمومی و همه‌شمول است که حق اعتراض مردم را سرکوب کرده‌اند. با جنایت و توطیه علیه خواست جمعی ایستاده‌اند. اگر این بار با هزاره چنین کاری شد، فردا حتماً با پشتون و تاجیک و اوزبیک و... هم می‌شود. فرض این که کار داعش و طالب باشد، این طالب و داعش نیز عین کار را خواهد کرد. برای منفعت قوم‌تان هم که شده این جنایت را نباید ببخشید. وانگهی حکومت کجای ماجراست، چطور می‌شود آن را تهرئه کرد؟ از دیروز تا لحظه‌ی انفجار، پشه‌یی هم با شناس نامه و کارت شناسایی خود از این سر کابل تا آن سر نمی‌توانست عبور کند، چه گونه شد که انتحاری بر جمعیت آمد و کراچی‌های بمب جاسازی شد. حکومت باید این پرسش‌ها را پاسخ بدهد. تسلیت گفتن و کمک کردن که کار انجمن‌های خیریه است، نه کار حکومت. آنانی که حکومت را در این ماجرا تطهیر می‌کنند، روزی به این نکته می‌رسند که برای دیدن جنایت و سهل‌انگاری مسئولان نیازی به نگاه سیاسی و قومی نیست. کافی ست عقل سالم داشته باشیم. وجدان که خیلی وقت است از این‌جا کوچیده.

گارد ریاست جمهوری ترکیه منحل می‌شود

اطلاعات روز: گزارش‌ها از ترکیه حاکی است که در ادامه‌ی تحولات پس از کودتای نافرجام در این کشور، گارد ریاست جمهوری ترکیه منحل می‌شود. حدود ۳۰۰ نفر از اعضای این نیروی ویژه‌ی محافظت از ریاست جمهوری در روزهای نخست پس از شکست کودتا دستگیر شده بودند. به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، بن‌علی ییلدریم، نخست‌وزیر ترکیه روز شنبه گفته است که دیگر به گارد ویژه‌ی رییس جمهوری «نیاز نیست.» تعداد سربازان گارد ویژه‌ی رییس جمهوری ترکیه حدود ۲۵۰۰ نفر است که دست‌کم ۲۸۳ نفر از آن‌ها از زمان شکست کودتا بازداشت شده‌اند. دیرروز همچنین خبرگزاری آناتولی ترکیه گزارش داد که محمدسعید گولن، برادرزاده‌ی فتح‌الله گولن هم در ارتباط با کودتای نافرجام جمعه گذشته بازداشت و از شهر ارزروم به آنکارا، پایتخت، منتقل شده است.

رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهور ترکیه پس از کودتای نافرجام جمعه‌ی گذشته، به «پاکسازی» گسترده در نهادهای دولتی، نظامی و آموزشی ترکیه دست زده به طوری که هزاران نفر از کارمندان

دولت و ماموران پولیس این کشور را اخراج کرده و صدها نفر از افسران ارتش را هم بازداشت کرده است. آقای اردوغان که روز چهارشنبه شرایط اضطراری در ترکیه اعلام کرد، صبح روز شنبه از بیشتر کردن مهلت ۳۰ روزه بازداشت بدون تفهیم اتهام خبر داد. این تصمیم دولت ترکیه با اعتراض نهادهای حقوق بشری از جمله عفو بین‌الملل روبه‌رو شده است. عفو بین‌الملل ضمن هشدار به دولت ترکیه در مورد افزایش دادن مهلت قانونی بازداشت بدون تفهیم اتهام، اعلام کرده ترکیه «بسیار فراتر از آنچه بتوان یک پاسخ قانونی به کودتا نامید» قدم برداشته است.

امروز همچنین گزارش شد که ۱۰۰۰ مدرسه خصوصی و ۱۲۰۰ مؤسسه خصوصی دیگر به علت آن‌چه «ارتباط با کودتا» نامیده شده، تعطیل شده‌اند.

در همین حال، دادستان کل آنکارا اعلام کرد ۱۲۰۰ نفر از سربازانی که هم‌زمان با شکست کودتا بازداشت شده بودند، دیروز آزاد شدند.

سربازان آزاد شده اکثراً ارتشیان بدون درجه و خارج

۱۳ قاضی در ایران به حبس بلندمدت محکوم شدند

کلاه‌بردار در شهر کرج خبر داده و گفته: «همچنین سه نفر از افرادی که خود را مأموران وابسته به دادگاه اصل ۴۹ معرفی کرده و بیش از ۲۰۰ میلیون تومان از مردم پول گرفته بودند بازداشت شدند که البته معتقدم افرادی که این پول‌ها را داده‌اند نیز مجرم هستند.»

دستگیری‌ها تنها مربوط به کارمندان دادگستری، قاضی‌ها و وکلا نبوده است. معاون اول قوه قضاییه‌ی ایران از صدور کیفرخواست در پرونده‌ی سازمان منطقه‌ی آب خراسان شمالی، اداره‌ی کل راه و شهرسازی خراسان شمالی و پرونده‌ی آلومینیوم جابرم نیز خبر داده است. اتهام‌ها مشخص نیست اما متهمان در این پرونده‌ها چندین نفر هستند.

طولانی مدت محکوم شده‌اند.

به گفته‌ی سخن‌گوی قوه قضاییه، در دادگستری آذربایجان غربی هشت وکیل و یک کارمند دادگستری که از مردم اخاذی می‌کردند هم بازداشت شده‌اند اما هنوز محاکمه آن‌ها برگزار نشده است.

بر اساس این خبر، هنوز مشخص نیست که این قاضی‌ها و وکلا چه کسانی هستند. محسنی اژه‌ای گفته است که «چنانچه حکم آن‌ها قطعی شود» اسم و مشخصات محکومان را در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهد.

سخن‌گوی دستگاه قضایی هشدار داده است که در روزهای آتی ممکن است افراد بیشتری دستگیر شوند.

محسنی اژه‌ای همچنین از دستگیری سه یا چهار

اطلاعات روز: غلامحسین محسنی اژه‌ای، سخن‌گوی قوه قضاییه‌ی ایران روز گذشته در نشست خبری از محکومیت ۱۳ قاضی و بازداشت ۸ وکیل در این کشور خبر داده است. این قاضی‌ها و وکلا به اتهام‌های مالی از جمله «اخذی»، «گرفتن رشوه» و یا «کلاهبرداری» محکوم یا بازداشت شده‌اند.

به نقل از رادیو زمانه و به گزارش «تسنیم»، این دستگیری‌ها در راستای اولویت دستگاه قضا در سال ۹۵ مبنی بر برخورد با مفاسد داخل و خارج از قوه قضاییه بوده است.

دستگیری‌ها از ابتدای سال ۱۳۹۵ تاکنون صورت گرفته که در این باره زمانی تاکنون ۱۳ قاضی محاکمه و بعضی از آن‌ها به حبس‌های

اعلام آمادگی دولت سوریه برای از سرگیری مذاکرات صلح

مخالفتان آن پشت میز مذاکره بنشینند. از سال ۲۰۱۲ تا کنون دو بار تلاش شده تا از طریق مذاکره در ژنو راه حلی برای بحران سوریه یافت شود. جنگ سوریه بیش از پنج سال است که ادامه دارد. به گزارش سازمان ملل بیش از ۴۰۰ هزار نفر در این جنگ کشته شدند و چهارونیم میلیون نفر سوری از کشور خود فرار کردند. در مذاکرات صلح بین نمایندگان حکومت سوریه و اپوزیسیون، مسأله‌ی انتقال قدرت سیاسی در این کشور و برکناری بشار اسد یکی از اصلی‌ترین موضوعات مورد اختلاف است. اپوزیسیون خواهان پیشبرد این انتقال است در حالی که نمایندگان رژیم برکناری اسد را خط قرمز خود می‌دانند.

دور پیشین مذاکرات در سال جاری با شکست مواجه شد و به نحوی باعث تشدید نبرد در سوریه و به ویژه در شهر استراتژیک حلب شد. پیشنهاد ادامه‌ی مذاکرات سوریه در حالی مطرح می‌شود که به نظر می‌رسد تبادل اطلاعات و همکاری‌های نظامی امریکا و روسیه برای مبارزه با گروه‌های افراطی در سوریه افزایش یافته است.

هفته‌ی گذشته جان کری، وزیر امور خارجه‌ی امریکا در سفرش به مسکو از دستیابی به یک درک مشترک در دستگاه دیپلوماسی روسیه و امریکا به‌منظور حل بحران سوریه خبر داده بود. امریکا و روسیه تلاش‌های جامعه جهانی را هماهنگ می‌کنند تا نمایندگان رژیم سوریه و

اطلاعات روز: دولت سوریه روز یکشنبه از آمادگی خود برای ادامه‌ی مذاکرات صلح با اپوزیسیون و خاتمه دادن به بیش از پنج سال جنگ در این کشور خبر داد.

خبرگزاری دولتی سوریه، سانا، به نقل از وزارت خارجه‌ی این کشور اعلام کرده: «سوریه آماده‌ی ادامه‌ی مذاکرات سوری - سوری، آن هم بدون هیچ پیش شرط و مداخله‌ی خارجی است. این مذاکرات تنها باید با حمایت سازمان ملل متحد صورت گیرد.»

به نقل از رادیو زمانه، استفان دی میستورا، فرستاده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل در امور سوریه نیز ابراز امیدواری کرده که دور جدیدی از مذاکرات صلح در ماه آینده در ژنو سویس برگزار شود.

پولیس آلمان: مهاجم مونیخ از یکسال پیش برنامه‌ریزی کرده بود

شاخه‌های گل و روشن کردن شمع در محل تیراندازی دو روز گذشته، به جان باختگان این واقعه ادای احترام کردند. کورینا، از ساکنان محلی که برای ادای احترام به این محل آمده گفته است: «من این‌جا آدمم برای آن‌هایی که کشته شدند و برای آن‌هایی که شاید هنوز در بیمارستان باشند. برای هر یک از ما روز جمعه این‌جا باشد.» او، یکی دیگر از ساکنان محلی گفته: «من احساسی متفاوت دارم. احساسی عجیب و احساسی ناشی از نبود امنیت کافی. این احساس عجیب به تازگی پیش آمده. برای اینکه مونیخ به‌طور کلی شهر خیلی آرامی است.» در گوشه‌ی دیگری از مونیخ، شماری از شهروندان با شرکت در مراسم عشاء ربانی در کلیسای جامع یاد کشته شدگان این حادثه را گرامی داشتند. جامعه‌ی مذهبی آلمان از کلیساهای سراسر ایالت بایرن خواسته تا برای قربانیان این حادثه دعا بخوانند.

به مدت ۲ ماه در یک مرکز روانپزشکی تحت درمان بوده است. به گفته‌ی پولیس، همچنین قربانیان این حمله از هم کلاسی‌های سابق مهاجم نبوده‌اند و او قربانیان را به‌طور مشخص انتخاب نکرده است. بر اساس گزارش‌ها، ۷ تن از کشته‌شدگان این حادثه‌ی نوجوان بوده‌اند که ۳ نفر اهل کوزوو، ۳ تن دارای ملیت ترکیه و یک نفر نیز اهل یونان بوده است.

برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که فرد مهاجم توسط یک حساب کاربری جعلی در فیسبوک قربانیان را به محل تیراندازی دعوت کرده بوده است.

پس از این حادثه مرگبار گروهی از سیاستمداران آلمان خواستار در نظر گرفتن قوانین سخت‌گیرانه‌تری در زمینه‌ی فروش سلاح در این کشور شده‌اند.

ادای احترام به جان باختگان تیراندازی مونیخ شماری از شهروندان مونیخ روز یکشنبه با نثار

اطلاعات روز: پولیس آلمان اعلام کرده که مهاجم مسلح مونیخ از یک سال پیش یعنی تابستان گذشته برنامه‌ریزی برای این حمله را آغاز کرده بود. به گفته‌ی پولیس، تعداد زخمی‌های این حمله‌ی مرگبار نیز به ۳۵ تن افزایش یافته است. به نقل از یورو نیوز، علی سنبلی جوان ۱۸ ساله ایرانی-آلمانی جمعه‌ی گذشته در حمله به یک مرکز خرید در شهر مونیخ ۹ نفر را کشت و در نهایت اقدام به خودکشی کرد.

روبرت هیمبرگر، رییس دایره‌ی جنایی ایالت بایرن در یک نشست خبری اعلام کرده که اطلاعات به دست آمده پس از جست‌وجوی اتاق، وسایل و محتویات کامپیوتر فرد مهاجم نشان می‌دهد که او علاقه‌ی زیادی به حمله و کشتار با سلاح داشته و سلاح خود را نیز از طریق یک سایت بدون مجوز که ورود به آن نیاز به برنامه کامپیوتری خاصی دارد، تهیه کرده است.

پولیس آلمان همچنین اعلام کرده که فرد مهاجم سابقه‌ی مشکلات روانی داشته است و سال گذشته

هیگواين، چهارمین بازیکن گران قیمت دنیا

پیوست. رونالدو سال ۲۰۰۹ با رقم ۹۶ میلیون یورو از یونایتد به رئال پیوست و نیمار نیز سال ۲۰۱۳ با رقم ۹۴٫۸ میلیون یورو از سانتوس راهی بارسلونا شد. البته در صورت انتقال پوگبا به یونایتد با رقم ۱۲۵ میلیون یورو، هیگواين یک رتبه تنزل خواهد کرد.



اگر مطابق پیش‌بینی‌ها، گونزالو هیگواين طی دو سه روز آینده از ناپولی به یوونتوس بپیوندد، به چهارمین بازیکن گران قیمت دنیا بدل خواهد شد. همه چیز آماده است تا یوونتوس، گران‌ترین نقل و انتقال تاریخ خود را تجربه کند. بانوی پیر حاضر شده برای جذب هیگواين، ۹۴٫۷ میلیون یورو به ناپولی بپردازد و برای این بازیکن نیز حقوق سالانه ۷٫۵ میلیونی در نظر بگیرد. آقای گول فصل گذشته سری A پس از سه فصل حضور در ناپولی به یوونتوس خواهد رفت؛ با وجود خشم و نفرتی که هواداران ناپولی از وی پیدا خواهند کرد.

انتقال هیگواين به یووه، چهارمین انتقال گران قیمت تاریخ فوتبال خواهد بود. ستاره ارجنتائینی پس از گرت بیل، رونالدو و نیمار به چهارمین بازیکن گران دنیا بدل می‌شود. بیل سال ۲۰۱۳ با رقم ۱۰۱ میلیون یورو از تاتنهام به رئال

فابیان دلف:

از گواردیولا به اندازه تمام عمرم یاد گرفته‌ام

خبرنگاران در مورد سرمربی جدید سیتی گفت: این یک واقعیت است که من از گواردیولا در همین سه هفته، به اندازه کل عمرم چیزهای جدید یاد گرفته‌ام. نگاه او به فوتبال متفاوت است و کاری می‌کند که خیلی از چیزهایی که پیش از این برای‌تان دشوار بود ساده شوند. شیوه بازی تیم‌های او ساده اما موثر است. در بازی‌های بعدی سیتی خواهید دید که گواردیولا چه چیزهایی از ما خواسته است.

هافبک منچستر سیتی ضمن تمجید از پپ گواردیولا، به مقایسه او با مربیان سابق خود پرداخت.

دلف که تابستان گذشته پس از کش‌وقوس‌های فراوان از استون ویلا به منچستر سیتی پیوست، نتوانست فصل درخشانی را زیر نظر پیگرینی پشت سر بگذارد. او بسیار امیدوار است تا با گواردیولا بتواند در مسیر پیشرفت قرار بگیرد.

هافبک سیه چرده سیتی در مصاحبه با

مورینیو:

یونایتد در بدترین وضعیت ممکن قرار دارد

یک‌شنبه‌ها احتمالاً ساعت ۱۲ باید در لیگ برتر به مصاف حریف خود برویم. ما در بدترین وضعیت ممکن قرار داریم. اگر قرار است برای قهرمانی در لیگ برتر بجنگید، این بدترین شرایط ممکن است. خیلی ساده‌تر است اگر تیمی در لیگ قهرمانان باشید و به خصوص اگر مثل لیورپول دو سال پیش یا چلسی امسال، در هیچ رقابت اروپایی حضور نداشته باشید. یک هفته زمان برای تمرین، برای هر مربی مثل یک رویا است. برای هر مربی‌ای که قصد دارد تیمش را به سطح بالاتری برساند.

حضور منچستریونایتد در لیگ اروپا باعث شده است تا مورینیو از شرایط سخت تیمش در فصل آتی خبر بدهد.

پنجم شدن یونایتد در فصل گذشته یکی از تبعاتش حضور این تیم در لیگ اروپا است. شیاطین سرخ باید پنجشنبه‌ها به میدان بروند و با فاصله اندکی خود را برای دیدار بعدی در لیگ برتر انگلیس مهیا کنند.

مورینیو در همین رابطه به خبرنگاران گفت: ما باید پنجشنبه‌ها در لیگ اروپا به میدان برویم و فکر نمی‌کنم برای ما در لیگ برتر، دوشنبه‌ها بازی بگذارد.

دورتموند خرید دیگری نخواهد داشت

قوانین فیرپلی مالی نیز هستیم و دیگر هیچ بازیکنی از تیم‌های بزرگ اروپا مثل رئال مادرید به ما اضافه نمی‌شوند. از نظر اقتصادی در شرایط مطلوبی واقع هستیم و قصد داریم تا همین روند را برای فصول بعدی نیز حفظ کنیم.

در ابتدای فصل نقل و انتقالات، دورتموند مت‌هوملس را به بایرن، گوندوگان را به منچستر سیتی و میختریان را به شیاطین سرخ واگذار کرد اما حالا با خریدهای جدید، به خوبی توانسته تیم توخل را برای فصل جدید تقویت کند.

مارک بارترا، سیاستین روده، ماریو گوتزه، آنده شورله، عثمان دمبله، امره مور، میکل مرینو و رافائل گوئررو، بازیکنان جدید دورتموندی‌ها محسوب می‌شوند و این بازیکنان بزرگ، هواداران خود را برای فصل جدید امیدوار کرده‌اند.

یواخیم واتسکه، رئیس باشگاه دورتموند اعلام کرد این تیم دیگر فعالیتی در بازار نقل و انتقالات تابستانی نخواهد داشت. واتسکه اعتقاد دارد که تا به حال هم بازیکنان خوبی به لیست زنبورها اضافه شده‌اند و همین بازیکنان هم رقابت سختی برای حضور در ترکیب اصلی خواهند داشت.

مدیر باشگاه دورتموند در این رابطه به بیلد گفت: تمامی فعالیت‌های مورد نظر انجام شده است و ما هیچ بازیکن ورودی یا خروجی در تابستان امسال نخواهیم داشت.

ما در حال حاضر هم بازیکنان زیادی در تیم داریم و همین موضوع کار آن‌ها را برای رسیدن به ترکیب اصلی دشوار خواهد ساخت. واتسکه ادامه داد: ما ملزم به رعایت

ورزش

واکنش اتلتیکو به انتقال احتمالی ویه تو به بارسا

رئیس باشگاه اتلتیکو مادرید هرگونه شایعه انتقال لوسیانو ویه تو، مهاجم ارجنتائینی به بارسلونا را رد کرد.

موندوپورتیوو روز شنبه خبر از توافق بارسلونا و اتلتیکو بر سر ویه تو داده بود و دیروز مارکا حتی ادعا کرده بود که بارسا روی پرداخت ۲۰ میلیون یورو اصرار دارد ولی اتلتیکو برای فروش ویه تو، ۳۰ میلیون یورو می‌خواهد.

انریکه سرزو، رئیس باشگاه اتلتیکو در همین رابطه به خبرنگاران گفت: لوسیانو ویه تو بازیکن اتلتیکو مادرید است و در حال حاضر هیچ تصمیمی در مورد او گرفته نشده؛ ضمن این‌که هیچ پیشنهادی هم از سوی بارسلونا به دست ما نرسیده است. درست نیست که از رفتن قطعی او به بارسا حرف بزنیم چون هیچ تماسی از سوی مسئولان بارسلونا برای ویه تو نداشته‌ایم. ویه تو بازیکن ماست و تحت اختیار سیمئونه قرار دارد. هنوز خیلی باقیمانده تا بدانیم بازیکن چه می‌خواهد و چه انجام خواهد داد. من جزو دسته‌ی هستم که معتقدند بازیکن باید در تیمی که دوستش دارند بماند. ویه تو به سویا هم بصورت قرضی نخواهد رفت.

ما دوست داریم که او در اتلتیکو بماند ولی باید دید کارها چه‌گونه پیش خواهند رفت. ویه تو یک بازیکن فوق‌العاده است با پتانسیلی عظیم. دیدن بازی او همیشه مرا به وجد آورده است.

کلافگی آقای خاص از سوالات

در مورد گواردیولا

ژوزه مورینیو، سرمربی پرتگالی منچستر اذعان داشت که دلیل سوال‌های بیش از حد خبرنگاران در مورد دست دادن او با پپ گواردیولا را متوجه نمی‌شود.

دو تیم منچستر یونایتد و منچستر سیتی امروز در دیداری تدارکاتی در اردوی پیش فصل چین به مصاف یک‌دیگر خواهند رفت.

مورینیو در این رابطه گفت: از سوالات تکراری شما در این رابطه خسته شده‌ام و نمی‌دانم تا چه زمانی قصد دارید از من و گواردیولا در این رابطه بپرسید. البته که با او دست خواهیم داد اما نیازی به این پرسش شما نمی‌بینم.

این دو سرمربی نامدار فوتبال جهان، در سال‌های گذشته رقابت داغ و تنگاتنگی به عنوان سرمبایان دو تیم بزرگ اسپانیا داشته‌اند و حالا برای اولین بار است که در قامت هدایت دو تیم انگلیسی به مصاف یک‌دیگر می‌روند.

به نظر می‌رسد آقای خاص از سوالات مکرر خبرنگاران در مورد شکل برخورد او با پپ قبل از هر روایی آن‌ها کلافه شده است و این موضوعات را پیش پا افتاده می‌داند.

در ادامه این مصاحبه، ژوزه سعی در تغییر روند مصاحبه داشت و ادامه داد: ترجیح می‌دهم به جای پیروزی در دیدارهای تدارکاتی، بدون هیچ بازیکن مصدومی به منچستر بازگردم. کیفیت زمین بازی‌ها خیلی مطلوب نیست و داشتن یک فهرست از بازیکنان سالم، بهترین خبر برای من در شرایط فعلی است.

مورینیو افزود: البته نمی‌توانیم بازی نکنیم یا به بازیکنان توصیه کنیم که به حد کافی ندوند. تنها می‌توانیم خوش‌چانس باشیم تا بدون مصدومیت، بازی‌های پیش فصل را پشت سر بگذاریم.

برای من همیشه کسب نتیجه در اولویت قرار دارد. اما نتیجه مطلوب من از مسابقه فردا (امروز)، پایان مسابقه بدون هیچ بازیکن مصدومی است.

منچستر سیتی با تمامی بازیکنانش در این رقابت حاضر می‌شود اما ما به علت درگیری در یورو ۲۰۱۶، هفت الی هشت بازیکن اصلی خود را در اختیار نداریم. امیدوارم زودتر به منچستر بازگردیم و با تمامی نفرات تمرین کنیم.

مورینیو در انتها گفت: سفر به چین، برای هواداران و البته از نظر اقتصادی برای ما بسیار مفید است و ما هم باید به آن احترام بگذاریم. فردا (امروز) آخرین بازی ما در این‌جا برگزار می‌شود و ما می‌توانیم بعد از آن به خانه بازگردیم.

ناراحتی مارسیال

به خاطر گرفتن شماره اش

خبرگزاری RMC SPORT مدعی شد که منچستریونایتد بدون این‌که به آنتونی

مارسیال اطلاع داده باشد، شماره ۹ او را به زلاتان ابراهیموویچ سپرده است.

با ۵۸ میلیون پوند از موناکو به یونایتد پیوست. او شماره ۹ را در اولین فصل حضورش در باشگاه به تن کرد ولی با پیوستن زلاتان به یونایتد در تابستان

جاری، باشگاه شماره ۹ را از مارسیال گرفته و آن را به زلاتان داده است. گفته می‌شود که باشگاه بدون این‌که به مارسیال در این زمینه اطلاعی داده باشد این کار را انجام داده که این موضوع سبب ناراحتی او از باشگاه شده است.

مارسیال در فصل پیش رو شماره ۱۱ را به تن خواهد کرد که پیش‌تر بر تن عدنان یانوزای بود.

پیگرینی:

هنوز پیشنهاد جذابی دریافت نکرده‌ام

نیمکت نزدیک بود، حال مدعی شد که هنوز پیشنهاد مناسبی دریافت نکرده است.

او گفت: قصد نام بردن ندارم ولی هیچ پروژه‌ی من را جذب نکرده است. سه سال در انگلیس خیلی خوب بود بنابراین می‌خواستم در سطح بالایی باشم. هیچ باشگاهی من را قانع نکرده که با آن‌ها همکاری کنم.

مانوئل پیگرینی، سرمربی منچستر سیتی عنوان کرد که هنوز پیشنهاد وسوسه کننده‌ی دریافت نکرده است.

پیگرینی در ماه جون امسال، نیمکت سیتی را ترک کرد تا گواردیولا برای فصل بعد هدایت این تیم را بر عهده بگیرد. او که پس از جدایی سامپائولی از نیمکت شیلی به حضور روی این

گواردیولا: قطعاً با مورینیو دست خواهیم داد

این‌که آیا با مورینیو دست خواهد داد گفت: ما انسان‌های مودبی هستیم پس چرا که نه؟ چرا با او دست ندهم؟

دلیلی وجود ندارد. او می‌خواهد پیروز شود و همین‌طور من. موضوع همین است. من دیدار یونایتد مقابل دورتموند را تماشا کردم. خیلی زود است که درباره آن‌ها قضاوتی انجام دهیم. مطمئنم در ادامه سال قوی‌تر خواهند بود. البته که با چنین مربی و بازیکنان خوبی که دارند و خریدهایی که انجام خواهند داد، تیم قدرتمندتری خواهند بود.

پپ گواردیولا، سرمربی منچستر سیتی مدعی شد که آماده شروع رقابت با ژوزه مورینیو، سرمربی یونایتد است.

این دو بیشتر در رئال مادرید و بارسلونا روبروی یک‌دیگر قرار گرفته بودند و رقابت بسیار سختی داشتند. پیش از دیدار دوستانه دو تیم در پیش فصل، گواردیولا مدعی شد که آماده شروع رقابت با مورینیو است و مشکلی با سرمربی پرتگالی ندارد.

او گفت: این یک بازی دوستانه است، یک بازی واقعاً دوستانه. او در پاسخ به

آل‌با: از رفتن گوتزه ناراحت شدم

موضوع ناراحت کننده بود زیرا ما خیلی رابطه خوبی با هم داشتیم، حتی خارج از زمین. ولی او تصمیمش را گرفت و برایش بهترین‌ها را آرزو دارم.

آل‌با درباره قدرت دورتموند گفت: اول هر فصل آسان نیست، مخصوصاً وقتی پای دورتموند در میان باشد. آن‌ها می‌خواهند کار ما را سخت کنند ولی ما هم می‌خواهیم رقابت کنیم.

دیوید آل‌با، مدافع بایرن مونیخ مدعی شد که از بازگشت ماریو گوتزه به دورتموند ناراحت است.

گوتزه ۲۴ ساله سال ۲۰۱۳ از دورتموند به بایرن پیوست و سه فصل تحت هدایت گواردیولا بازی کرد ولی نیمکت‌نشینی مداوم در نهایت باعث شد تا او بار دیگر به دورتموند بازگردد.

آل‌با در این رابطه گفت: برای من این

امری:

زیدان یکی از بهترین مربیان جهان است

زیدان منطقی نیست، قهرمانی در چمپیونزلیگ، نشان دادن ثبات دوران بازی‌گری‌اش در دوران مربی‌گری. او در باشگاه بزرگ رئال مادرید است، یکی از بهترین باشگاه‌های جهان. او یکی از بهترین بازیکنان جهان بود و با عملکردی که تا به این‌جا داشته، یکی از بهترین مربیان جهان است.



اونای امری، سرمربی پاری سن ژرمن به تمجید از زین الدین زیدان پرداخت و او را یکی از بهترین مربیان جهان دانست. زیدان در ماه جنوری جانشین رافا بنیتس شد و موفق شد در طول دوران حضورش رئال را به یک امتیازی بارسا در لالیگا برساند و در چمپیونزلیگ نیز یازدهمین جام را برای سپیدپوشان به ارمغان بیاورد. اونای امری که تا پیش از این با سویا مقابل رئال قرار گرفته بود، حال به تمجید از زیزو پرداخت.

او گفت: با حضور زیدان در رئال مادرید، دو نماد فوتبال در کنار یک‌دیگر قرار گرفته‌اند. رئال به خاطر تاریخش به عنوان یک باشگاه و زیدان به خاطر فوتبالیست بی‌نظیری که بود. اگر منطقی بخواهیم بررسی کنیم، چنین عملکردی در اولین تجربه مربی‌گری



۲۰۰٪ کریدت رایگان
از ام تی ان به ام تی ان



Anniversary

دهمین سالگرد ام تی ان افغانستان مبارک باد!

به مناسبت دهمین سالگرد ام تی ان افغانستان تمام مشترکین ام تی ان که به حساب های خویش در تاریخ ۳۱ ماه سرطان سال جاری کریدت اضافه نمایند الی ۲۰۰ فیصد کریدت رایگان را برای تماس ها، پیام های کتبی از ام تی ان به ام تی ان و انترنت با مدت اعتبار ۲ روز از ان خود خواهند کرد.

برای مشاهده نمودن کریدت رایگان خویش #۴۷*۷۸۹* را دایل نمایید. کریدت رایگان به اولین بار از دیار حساب در همان روز پرداخت میگردد.



برای معلومات بیشتر به شماره ۷۷۹ در تماس شوید.
لینک و رجیستر سیمکارت ختمی میباشد.
www.mtn.com.af | MTN.Afghanistan | @MTNAF
LinkedIn | MTN Afghanistan | MTNAF

با شما در همه جا



داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

+93(0)777071333
+93(0)700071333
+93(0)790071333
+93(0)786071333
www.flyariana.com
info@flyariana.com



همگام با شما در سفر حج بیت الله شریف
داریانا افغان هوایی شرکت افتخار مینماید که
پروسه انتقال حجاج محترم را امسال نیز بدوش
داشته و پرواز های حجاج گرامی از کابل و ولایات
عنقریب آغاز میابد

پنج عضو یک خانواده در تخار از اثر شلیک هاوان طالبان کشته شدند

والی تخار نیز این رویداد را تایید کرده و گفته است که این حادثه قبل از ظهر دیروز در منطقه ی نورخیل ولسوالی درقد رخ داده است. درقد از ساحات ناامن ولایت تخار در شمال کشور است که در جریان چند ماه گذشته بارها شاهد هجوم طالبان مسلح و حملات تروریستی بوده است. طالبان بارها برای تصرف کامل این ولسوالی تلاش کردند؛ اما از سوی نیروهای امنیتی با شکست مواجه شدند. با این هم امنیت این ولسوالی مطمئن نیست.

اطلاعات روز: مسئولان محلی ولایت تخار تایید کرده اند که از اثر اصابت یک مرمی هاوان در مربوطات ولسوالی درقد، پنج عضو یک خانواده کشته شده اند. خلیل اسیر سخن گوی فرماندهی پولیس تخار، گفته است که مرمی از سوی طالبان فیر شده بود و بر یک خانه در ولسوالی درقد اصابت کرد. آقای اسیر افزوده که در این رویداد دو نفر زخمی شده اند و زنان و کودکان نیز در میان کشته ها هستند. سنت الله تیمور، سخن گوی

حنیف اتمر برای تهیه و خرید چرخ بال های MI۱۷ و MI۳۵ به روسیه رفت

گسترش همکاری های دوجانبه ی سیاسی و امنیتی میان دو کشور از هدف های عمده ی سفر مشاور امنیت ملی به جمهوری فدراتیف روسیه گفته شده است. دفتر شورای امنیت ملی نوشته است که در این سفر قرار است هیات افغانی با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور، وزیران امور خارجه، دفاع و همچنین وزیر داخله ی روسیه دیدار کند. در خبرنامه ی شورای امنیت ملی آمده است که دولت افغانستان متعهد است که سرکوب تهدیدات مشترک دهشت افگنی و مبارزه با کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر نیازمند همکاری مشترک افغانستان و روسیه است و کمک روسیه و دیگر متحدین بین المللی و منطقه یی با تجهیز و بلند بردن قابلیت های محاربه ی نیروهای امنیتی در امر مبارزه با تروریسم منطقه یی و بین المللی تبعات و نتایج مثبت خواهد داشت.



جمهوری فدراتیف روسیه برای چهار روز به این کشور سفر کرده است. تهیه و تدارک چرخ بال های نوع MI۱۷ و MI۳۵ به نیروهای هوایی افغانستان، فراهم سازی امکانات ترمیم تجهیزات نیروهای هوایی در داخل افغانستان، تأمین مهمات تسلیحات موجود روسی که در تشکیلات نیروهای امنیتی مورد استفاده قرار دارند و

اطلاعات روز: حنیف اتمر مشاور امنیت ملی رئیس جمهور، برای تهیه و خرید چرخ بال های نوع MI۱۷ و MI۳۵ برای نیروهای هوایی افغانستان به روسیه رفته است. دفتر شورای امنیت ملی با نشر این خبر گفته است که آقای اتمر براساس دعوت رسمی نیکولای پتروشوف، مشاور امنیت ملی